

حقیقت حاسه

حقیقت حاسه آ را می شناسیم
و ایهبت و آرزوی آرزو را
مادا!
که در فرشتگان جهان
جاودان میماند.

تا انیان
بذر آرزو را روی زمین
و در ضمیر خویش برافسانه
و گریستن آید

با خون خویش،
آب باران کند -

که آرزو در بنای آرزو... -

بسته من خفته مان خاک

محو مان آزار بوده اند.

بسته من زندگان زمین

اگر آن اند.

اگر - خدا مان طلا

اگر - بود اگر آن دین

و عشق است

که گذشت که رفتن من ...

آرزو را عاشقانه خواندن

و در راهش

آزاده وار

بر خاستن و

بر خاستن

۱۹۹۶

+ + +

عفت = حماه

عفت = حماه را می ستایم
و ایهت و از روی آزادگی را
جاودانه در فرنگستان جهان .

با زبان
بذر آزادی را
ز روی زمین و در غمخیز خود برافانند
و گریستن آمد
با فون خدیش آبیاری این کند
که از روی به آبیاری ارزند .

بهره من خفته مال خاک
محرمان دوره اند
بهره من رنگ مان زمین
اسرار اند

اسرار خدایان طلا

و کبر دلالان دین

که صفت بیاد
سردنشت کرد زمین من !

آزادی را خدایتان

و در عفت = حماه

عاشقانه بر خاستن .

+ + +

۲

(که همین است)

→